

انتخابات ریاست جمهوری و ترفند شکست خورده اصلاح طلبان کرد

جلال محمدنژاد

نظام جمهوری اسلامی بر پایه ولایت فقیه مطلقه و دستگاه سیاسی استوار است که در آن کوچکترین جایی برای مشارکت مستقیم مردم وجود ندارد و تمام سیستم سیاسی، اداری این رژیم بر دستگاه سرکوب، اختناق، زندان، شکنجه و اعدام استوار است. به این اعتبار و با توجه به تجربه ۲۵ ساله حاکمیت دیکتاتوری و استبداد مطلق در سایه رژیم جمهوری اسلامی صحبت کردن از انتخابات و رای دادن خیالی باطل و عوامفریبی بیش نیست. آن مضحک‌های که در ایران تحت عنوان انتخابات برافروخته می‌افتد بر طبق اصول و مبانی دموکراسی واقعی و حتی بر اساس دموکراسی نیم بند کشورهای غربی، هیچ قرابتی با یک انتخابات آزاد ندارد. در کشوری که نه تنها نشان از آزادیهای دموکراتیک، آزادی عقیده و بیان، احزاب و تشکل سیاسی و غیره در میان نیست بلکه هر نوع حرکت مخالف و مغایر با نظام دیکتاتوری مذهبی به شدیدترین شکل ممکن سرکوب میشود، صحبت کردن از انتخابات آزاد چیزی جز حربه ای برای تحمیل مردم نخواهد بود.

در نظام جمهوری اسلامی قدرت واقعی در دست ولایت فقیه مطلقه است، که برای پیاده کردن آمال و اراده خود نهادهای قدرتمندی را در سراسر کشور گسترانیده است. شورای نگهبان، مجلس خبرگان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، سپاه پاسداران و انواع بنیادهای سیاسی و اجتماعی که برای حفظ چهارچوب سیاسی و اقتصادی این نظام سازمان داده شده اند تا مردم به طور کامل از صحنه تصمیم گیری و مشارکت مستقیم در سرنوشت سیاسی خود محروم نمایند. به اینها می‌توان صدها نهاد و مراکز قدرتمند اقتصادی اضافه کرد که ثروت و سامان این جامعه را در انحصار خود نگه داشته اند.

یادآوری واقعیات بدیهی فوق ضروری است بویژه به این خاطر که جناح‌های مختلف رژیم جمهوری اسلامی میخواهند این نمایش مسخره را به عنوان انتخابات آزاد به مردم ایران و افکاری عمومی جهان قالب نمایند. رژیم جمهوری اسلامی با اجرای این مضحک‌های انتخاباتی هر چند سال یکبار با ارباب و هوچیگری مردم را به پای صندوق‌های این نمایش مسخره کشانده و از این طریق می‌خواهد در بین افکار عمومی و بویژه در سطح بین المللی برای خود اعتبار و مقبولیت اجتماعی بوجود آورد.

جناحها و قطب بندیهای سیاسی در حکومت اسلامی ایران به تکاپو افتاده‌اند تا با تقویت این سیستم اجتماعی و با کسب مقبولیت سیاسی برای آلت‌رناتیو خود، به جامعه ایران و جهانیان نشان دهند که توانایی فائق آمدن بر بحران سیاسی، اقتصادی دامنگیر ایران را دارند و به این لحاظ مردم و جهانیان راهی جز قبول رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و کنار آمدن با آن را در پیش ندارند.

ساختار سیاسی و نظام اداری رژیم جمهوری اسلامی بر ارگانهای جاافتاده ای از نوع شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت و غیره استوار است که زیر نظر مستقیم ولایت فقیه و جناح محافظه کار سلطه تمام بر همه مراکز قدرت سیاسی و اقتصادی جامعه را در دست داشته و بویژه بعد از شکست اصلاح طلبان حکومتی در انتخابات مجلس هفتم این جناح کاملاً دست بالا پیدا کرده است. ریاست جمهوری که در دوره اخیر زمامداری خاتمی بیشتر یک نهاد تشریفاتی بود آخرین مرجعی است که جناح محافظه کار برای تسخیر آن دندان تیز کرده است. اگر برای جناح اصلاح طلب پست ریاست جمهوری همه امید بود و تنها ارگان قدرتی بود که بوسیله آن شاید قادر بودند برای اجرای سیاست‌هایشان کاری انجام دهند، برای جناح محافظه کار اما بویژه در شرایط فعلی که رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر نابسامانی داخلی، درگیر انزوای بین‌المللی و بحران دیپلماتیک با کشورهای غرب نیز هست، پست ریاست جمهوری آن مرجعی خواهد بود که ۱- امر تطبیق نظام جمهوری اسلامی با سیاستهای اقتصادی بانک جهانی و مقتضیات سرمایه‌داری ایران را در دست جناح محافظه کار آسانتر پیش‌برد. ۲- در عرصه بین‌الملل شخصیتی باشد که بحران دیپلماتیک بر سر سلاح اتمی را مرتفع سازد، دخالت‌های جمهوری اسلامی در عراق و خاورمیانه را قابل قبول جلوه دهد و جمهوری اسلامی را در موقعیت بهتری قرار دهد. ۳- و بالاخره اینکه بتواند در جامعه ایران و در بین سیاستمداران جناحهای مختلف رژیم جمهوری اسلامی مقبولیت پیدا کرده و توازن سیاسی و هماهنگی مابین آنها را ایجاد کند. شخصیت کاریسمایی باشد که زیر فرمان خامنه ای مراکز قدرت جناح محافظه کار را منسجم نموده و نمایندگی کند.

جناح اصلاح طلب که در انتخابات مجلس هفتم در برابر جناح محافظه کار در موقعیت بسیار نامناسب تری قرار گرفت، در انتخابات کنونی ریاست جمهوری نیز در وضعیت به مراتب ضعیف تری قرار دارد و درست به همین خاطر به تکاپو افتاده و با عمده کردن شعارهای توخالی و توهم برانگیز در نظر دارند که سروسامانی به جبهه شکست خورده اشان بدهند.

ترفند اصلاح طلبان کرد!

جریان اصلاح طلب برای نجات خود از این وضعیت و برای ادای سهم بیشتر در نجات جمهوری اسلامی از بحران سیاسی اجتماعی اینبار به شکل عوامفریبانه‌ای «خواست اقلیت‌های قومی و مذهبی» را از جمله شعارهای انتخابات خود قرار داده است و به این منظور در کردستان به تلاش و فعالیت سازمانیافته تر روی آورده است.

اصلاح طلبان کرد که در تمام عمر خود به عنوان ابراری در دست جناح‌های رژیم جمهوری اسلامی جهت سرکوب جنبش کردستان، تحت عنوان خطر امنیت برای نظام اسلامی، و تنزل دادن آن به خواست‌های

اداری- فرهنگی عمل کرده‌اند و برای نجات کلیت رژیم جمهوری اسلامی از هیچ خوش‌خدمتی دریغ نکرده‌اند، اینبار با برگزاری دو نشست در صدد هستند که به داد جناح اصلاح طلب شتافته و برای نجات کاروان شکست خورده آنان اینبار به قول خودشان طرح خواست‌های ملت کرد را به عنوان ترفندی جهت کسب اعتبار و جمع آوری رای برای کاندید مورد نظر خود در انتخابات ریاست جمهوری به دست بگیرند. چهره‌های جریان اصلاح طلب در کردستان از جمله عبدالله رمضان زاده استاندار سابق استان کردستان و سخنگوی فعلی دولت خاتمی، جلال جلال‌زاده عضو شورای مرکزی حزب مشارکت اسلامی، بهالدین ادب، شاخه کردستان سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و غیره بسیج شده و به فکر افتاده‌اند که خواستار «اجرای قانون اساسی در مورد تدریس زبان کردی»، «سفیر و استاندار کرد» و «حزب و نشریه محلی» شوند. اصلاح طلبان کرد در پرتو اوضاع بوجود آمده به این نتیجه رسیده‌اند که از قافله عقب‌نمانند و آنها نیز از این فرصت استفاده کرده و برای تکمیل نقشه‌های قدیمی‌اشان جهت به کنترل در آوردن جنبش کردستان و محدود کردن آن به یکسری خواست فرهنگی – اداری در چهارچوب قانون اساسی ارتجاعی جمهوری اسلامی تلاش کرده و به زعم خود بدیل آینده جنبش کردستان را از زبان کاندید جناح اصلاح طلب ارائه دهند.

اصلاح طلبان کرد با این حرکت خود از جمله اهداف زیر را دنبال میکنند:

۱ – آنها تلاش خواهند کرد که همراه با سایر متحدان اصلاح طلبشان در ایران زیر بال جناح اصلاح طلب در حاکمیت را گرفته و از این فرصت استفاده نمایند تا کشتی به خاک نشسته جریان اصلاح طلب را جان تازه‌ای بخشیده و آتمسفر حول و حوش «انتخابات» ریاست جمهوری را در این راستا به کمک گیرند. آنان با این کار در صددند که رژیم جمهوری اسلامی را کمک نمایند تا بر بحران‌های خود فائق آمده و چند صباحی دیگر به حیات ننگین خود ادامه دهد. اینان خود نیک میدانند که آنچه در ایران امروز به طور واقعی اجرا میشود همان قانون اساسی است و تلاش جریان دوم خرداد در طول حیات ۸ ساله خود نتوانست در هیچ عرصه‌ای از قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی یک قدم فراتر رود. اصلاح طلبان کرد با مستمسک قرار دادن برخی از خواستهای فرهنگی مردم کردستان تلاش خواهند کرد که آنها را به پای صندوق رای بکشانند و به این شکل برای جناح اصلاح طلب داخل حاکمیت مقبولیت بیشتری ایجاد نمایند.

۲ – جناهای رژیم جمهوری اسلامی اعم از اصلاح طلب گرفته تا محافظه‌کار کاملاً متوجه هستند که صحنه جامعه کردستان را امروز یک جنبش عظیم سیاسی اجتماعی تشکیل میدهد که در آن کارگران، زنان، جوانان و سایر اقشار زحمتکش جامعه برای رهایی از زیر بار ستم طبقاتی، ملی و جنسی به مبارزه‌ای گسترده روی آورده و تحت تاثیر و نفوذ رادیکالیسم اجتماعی سیمای شهرهای کردستان را هر روزه به

صحنه اعتراض و نبرد سیاسی و اجتماعی تبدیل کرده‌اند که سرکوب و کنترل آن برای رژیم جمهوری اسلامی بسیار دشوار است. اعتراض و جنب و جوش روزمره کارگران در کارخانجات، کارگاهها و مراکز تولیدی، به میدان آمدن جنبش زنان و جوانان و دهها مورد اعتراض اجتماعی علیه بی‌حقوقی اجتماعی و علیه حضور سیاسی و نظامی رژیم در کردستان این جامعه را به کانون فعال و یکی از میدانهای اصلی مبارزه علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی تبدیل کرده است. رژیم جمهوری اسلامی در تمام حیات ننگین خود علیرغم اختلافات جناحی، برای سرکوب و به بیراه کشاندن جنبش کردستان و کنترل آن از درون به شکلی هماهنگ عمل کرده و تحرک اخیر اصلاح طلبان کرد خود ادامه همین تلاش است برای اینکه بتوانند از درون بر این جنبش سوار شده و آن را در توهم رسیدن به یکسری خواست فرهنگی در چهارچوب قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی منتظر نگه دارند و بر سر راه به پیروزی رسیدن آن سنگ اندازی نمایند.

۲ - جنبش کردستان امروز در منطقه خاورمیانه یک فاکتور مهم است و در سطح جهانی نیز به نسبت سابق از سمپاتی بیشتری در نزد افکار عمومی برخوردار است. و این چیزی است که جریان اصلاح طلب و لیبرالی در کردستان ایران - جریانی که وسیعتر از نشستهای اخیر اصلاح طلبان کرد است - نیز آن را درک کرده و می‌خواهد به عنوان یک اکثر سیاسی بر روی آن سرمایه گذاری نماید تا در آینده به عنوان یک طرف معامله در مورد آن وارد عمل شود. این مسئله بویژه از جانب اصلاح طلبانی که خارج از حکومت قرار دارند با صراحت بیشتری طرح می‌شود.

اما سهم مردم ستمدیده کردستان در تمام طول عمر ۲۶ ساله رژیم جمهوری اسلامی چیزی جز سرکوب و خفقان، میلیتاریزه شدن سراسر کردستان، جنگ و آوارگی، بی‌حقوقی سیاسی - اجتماعی، بیکاری، فقر، اعتیاد و تباهی جسمی، محروم ماندن از همه خواستهای انسانی و شکنجه و اعدام و کشته شدن هزاران نفر از مبارزین و آزادیخواهان نبوده است. جریان اصلاح طلب حکومتی و مجریان آن در کردستان نیز در طول ۸ سال زمامداری رئیس جمهور خاتمی نه تنها نتوانستند دردی از محرومیت‌های این مردم ستمدیده بکاهند بلکه خود به ابزار فعالی در جهت ابقاء حاکمیت جمهوری اسلامی و اجرای نقشه‌های آن تبدیل شدند. عبدالله رمضان زاده و جلال جلال زاده و همکارانشان در دوران استانداری و ماموریت‌های خود در کردستان به جای " طرح خواستهای ملت کرد" فرمان قتل عام و کشتار آنها را در اسفند ۷۷ و بهار ۵۹ و در دهها مورد دیگر را صادر کردند و از هیچ تلاشی برای تثبیت پایه‌های لرزان حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی در کردستان دریغ نکردند. امروز این عالیجنابان حافظه این مردم ستمدیده را دست کم گرفته‌اند که گویا براحتی میتوانند خود را نماینده منتخب آنها قلمداد کرده و بر سر رای ۲ میلیون نفری آن با کاندیدهای

ریاست جمهوری به معامله بنشینند. مردم مبارز کردستان در طول عمر رژیم جمهوری اسلامی و همچنین در تمام دوره زمامداری رئیس جمهور اصلاح طلب، رمضان زاده‌ها و همفکرانش را امتحان کرده و چیزی به جز بردگی اقتصادی و ستمگری ملی و شکنجه و اعدام از آنها ندیده‌اند و اینبار نیز فریب ترفندهای شکست خورده آنها را نخواهد خورد.

جنبش انقلابی و حق طلبانه مردم مبارز کردستان برای رهایی کامل از زیر بار ستم ملی که در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تمام حیات و هست آنها را تحت تاثیر گذاشته است به اتکاء به نیروی مبارزه و اعتراض متشکل کارگران و زحمتکشانش ادامه داشته و به همراه جنبش کارگران، زنان، جوانان و سایر محرومان جامعه در سراسر ایران برای برپایی دولتی که حق آنان را در تعیین آزادانه سرنوشت خود برسمیت بشناسد مبارزه خواهند کرد. دولتی که در فردای آزادی در اولین قدمهای حیات خود عبدالله رمضان زاده و مجرمین همپالگی‌شان را به جرم جنایاتی که در روز روشن و در نقش استاندار و مقامات محلی کرد در کردستان مرتکب شدند در دادگاهی مردمی به محاکمه خواهد کشید. هر مبارزه مستقل و آزادیخواهانه‌ای که برای بهبود زندگی در هر عرصه‌ای بخواند تلاش نماید لازم است صف خود را کلیت جناحهای مختلف رژیم جدا کرده و در پیوند با جنبش کارگران و مردم مبارز برای رسیدن به خواسته‌های خود قدم بردارد.

فراخوان کارگران و مردم مبارز کردستان به اعتراض عمومی و اجتماعی علیه کلیت رژیم جنایتکار و اشغالگر جمهوری اسلامی و تبدیل این نمایش مسخره انتخاباتی به مبارزه‌ای فعال و گسترده و افشای ترفندهای شکست خورده اصلاح‌طلبان کرد و توهم‌پراکنی آنان از جمله وظایف اصلی جریان رادیکال و سوسیالیست در جنبش انقلابی کردستان می‌باشد.

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۴۶